

رومن گاری

مردی با کبوتر

ترجمہ لیلی گلستان



یادداشت مترجم

این یک قصهٔ هزل‌آمیز است. پراز مطایبه و سخره. قصه‌ای است در بارهٔ سازمان ملل: آدم‌هایش، اهدافش، راهکارهایش و عملکردهایش.

به نوعی افشاگری است و در نتیجه خنده‌دار. برای این چاپ تازه، بعد از مدت‌ها آن را بازخوانی کردم و خیلی بیش از بار اول که خواندمش، خندیدم. چون قصه در طی این سال‌ها بیش‌تر و بیش‌تر به واقعیت امروز نزدیک شده است.

کتاب پر است از استعاره، و خواندنش دقت می‌طلبد. اگر صحنه‌های کتاب را که بسیار به تصویر نزدیک‌اند، در نظر آورید حتماً به هنگام خواندن کتاب مدام لبخند به لب خواهید داشت. خواندنش در این روزگار مغتنم است.

فصل یکم

یک روز زیبای سپتامبر... ۱۹۵، حدود ساعت یازده صبح قفس بزرگ شیشه‌ای سازمان ملل متحد در آفتاب پاییزی می‌درخشید و مأموریت صلحجویانه‌اش را که همان «بزرگ‌ترین مرکز جلب سیاح آمریکا» شدن بود، ادا می‌کرد.

هزاران بازدیدکننده که با موج بی‌پایان ماشین‌ها به ورودیه شمالی متمایل بودند، با راهنمایی راهنمایان به داخل ساختمان بلعیده می‌شدند. بازدیدکنندگان لحظه‌ای مقابل سالن مراقبه می‌ایستادند و هشتاد و دو صندلی خالی را نظاره می‌کردند که نشانگر این بود که هشتاد و دو نماینده کار دیگری داشته‌اند! بعد با عزمی راسخ به ساختمان اصلی یورش می‌بردند و بعد از دیدن آن‌همه نبوغ انسانی در زمینه هنر تجریدی شگفت‌زده بازمی‌گشتند.

گروه‌ها مقابل هشتاد و دو پرچم ملل متحد می‌ایستادند و سعی داشتند در جنگل رنگ‌ها جهت خود را بیابند.

«این یکی چیست؟ قرمز، زرد و بنفش با شمشیری خونین در میان؟»
«در کتاب راهنما چیزی در باره‌اش ننوشته، اما من نسخه‌ ماه گذشته این کتاب را دارم، حتماً از ماه پیش تا به حال حکومت جدید مستقلاً به وجود آمده.»

در داخل ساختمان - لاقبل به ظاهر - به نظر می آمد که چیزها جیک و جیک روزانه شان را دنبال می کنند.

تنها اتفاق آن روز صبح، نماینده یک کشور عقب افتاده بود که با ردای شاهزاده ای بنفش و طلایی اش روی پلکان برقی روبروی ورودیه نمایندگان، با خادمانش نشست بود. و دو ساعتی می شد که با چهره ای خالی از اضطراب اما آشکارا مغلوب از تمدن غرب، بالا می رفت و پایین می آمد.

در سالن بزرگ مجمع عمومی که مزین به دو نقاشی دیواری بود، روزنامه نگاران و مردم دو ساعت گوش به سخنرانی یک نماینده سپرده بودند. نقاشی ها یکی تخم مرغ های خاگینه را نشان می داد و یکی آقا خرگوشه را - سمبل هایی دوسویه - گرسنگی تسکین یافته و ساده لوحی شگرف ملت ها.

پشت کرسی خطابه، سپرهای مسی عظیمی که رو به سالن داشتند به مجمع عمومی فضایی نگران کننده داده بود و نشانگر نوعی عظمت روحیه جنگجویی بود.

رنگ های سبز و آبی صندلی ها و میزها در به وجود آمدن نوعی فضای ضد و نقیض، تنش و نفاق کمک می کرد. و نزد طبایع سلیم، به محض ورود، باعث مختصری دندان قروچه می شد.

در اتاقک های تلویزیون، دوربین ها حریصانه سرگردان بودند و سر دوربین ها به عبث در جستجوی خستگی ناپذیر یک چیز جالب، به سوی کاغذها و چهره نمایندگان گرفته شده بود.

در سالن نمایندگان، جنب و جوش همیشگی نمایندگان کشورهای عربی حکمفرما بود. گاهی از گوشه ای دور، فریاد غربت آلود مؤذنی به گوش می رسید.

یک جفت دیپلمات از رده قدیمی ها، با موی جوگندمی و صورتی

جدی، ایستاده بودند. فنجان‌های قهوه به دستشان بود و با صدایی آرام جذابیت‌های متقابل مأموریت بخارست را با مأموریت بوداپست سال ۱۹۲۷ مقایسه می‌کردند و اگر احیاناً کسی به ایشان تنه می‌زد، فوراً می‌گفتند: «ببخشید.»

از پنجره‌های شیشه‌ای عظیم می‌شد منظره آفتابی رودخانه ایست ریور^۱ را دید. قایق‌های بسیار و گوناگونی بودند که به سوی دریای بالا می‌رفتند و قایق‌های یدکی کوچک و گرد و پرجنب و جوش بندر نیویورک که دیدنشان تسکینی برای چشم نمایندگان بود. گاهی، چند دختر آمریکای جنوبی جوان و جذاب در موجی از عطر می‌گذشتند و دیپلمات‌ها برای لحظه‌ای خط فکرشان را گم می‌کردند و رو به هم می‌گفتند: «بیا، این هم یک زن فرانسوی!»

عکاس رسمی ملل متحد خستگی ناپذیر در حرکت بود. دماغش را بالا گرفته بود و دوربین به دست انگار مرغ ماهیخواری بود که در باتلاق در جستجوی ماهی عظیمی باشد.

در آن سوی راهروی درازی که ساختمان مجمع عمومی را به برج عظیم مستطیلی شکل دبیرخانه وصل می‌کرد، سه هزار و پانصد کارمند از هر نژاد و هر رنگ و هر مذهبی، شبانه‌روز در راه منافع شخصیشان، به مشکلات دوستی بین ملت‌ها، همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری‌های بین‌المللی که رؤسایشان طی بیش از ده سال در سالن‌های کنفرانس و گردهمایی و مجمع عمومی به عبث مورد بحث و مذاکره قرار داده بودند، رسیدگی می‌کردند.

در دفاتر ارتباطات وابسته به سازمان ملل متحد، خبرنگاران روی صفحات تلویزیونی و ماشین‌تحریرها خم شده بودند و بدون دقت سخنرانی‌هایی را که از بلندگوی سالن‌های گردهمایی پخش می‌شد، گوش می‌دادند.